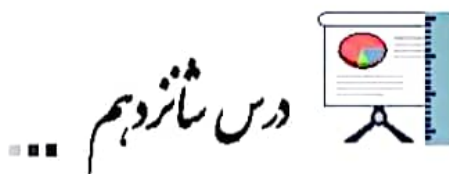


جعبه کلمات درس شانزدهم کلمات هم معنی	
عجیب - شگفت، غریب	حمد - ستایش، ستودن و ...
معلق - آویزان	نهاد - قرار داد، گذاشت
فیلسوف - دانشمند علم فلسفه	روی دادن - اتفاق افتادن
واپسین - آخرین، پایانی	گمان - شک، خیال
بالین - بستر، بالش و ...	صدمه - آسیب، زیان
میفکن - نمیکن، نینداز	دانش‌نوردی - علم آموزی، یادگیری و ...



املا دادن:

الف) دانش‌اندوزی - فیلسوفان - گسترش - سپری - علاقه - جهل - گریزان - می‌گذرانید - احوال‌پرسی - توضیح - بستر - مسئله - درگذرم

ب)

ع: علم - علاقه - علت - علامت - عجیب - معلق

ه: جاهل - بهتر - مسئله - بریده - همواره - تشنه

پ) به دلخواه دانش‌آموز

۱. معلق ← آویزان واپسین ← آخرین جاهل ← نادان گریزان ← شتابان

۲. الف) درست

ب) نادرست، هر کودک حق دارد آزادانه فکر خود را به دیگران بگوید.

پ) درست

د) نادرست، گوش انسان‌ها منتظر هزاران جواب است.

۳. جهل، جهالت، جاهل

کشف، اکتشاف، کاشف

معلق، تعلق، تعلقات

فلسفه، فیلسوف، فلاسفه

۴.

الف) دانش‌آموز ورقه را به معلمش داد

ب) مادر فرزندش را در گهواره خواباند

پ) دوستم توپ را از فروشنده گرفت

۵. باهوش - ریاضی‌دان - احوال‌پرسی - دانش‌اندوزی

نوشتن متن به عهده دانش‌آموز

۶. توانا بود هر که دانا بود

ز دانش دل پیر برنا بود

به دانش فزای و به یزدان گرای

که او باد، جان تو را رهنمای

بیاموز و بشنو ز هر دانش

بیایی ز هر دانشی، رامشی

میاسای از آموختن، یک زمان

ز دانش بیفکن، دل اندر گمان

الف) فردوسی

ب) برنا ← جوان

میاسای ← آسوده نباش

بی رامش ← بدون آرامش

پ) بیت اول، بیت آخر

توانا بود هر که دانا بود

تن مُرده چون مرد بی دانش است

۷. به دلخواه دانش آموز

۸

الف) گزینه «۴»

ب) گزینه «۲»

پ) گزینه «۳»

ت) گزینه «۱»

ث) گزینه «۴»

خوانش و پردازش:

۹. الف) پسر بچه مقداری خاک را در کف دستش ریخت به عنوان ظرف

ب) به عهده دانش آموز

پ) پدر و مادر پسر بچه

ت) به عهده دانش آموز

ز دانش دل پیر برنا بود

که نادان به هر جای بی رامش است